

تأمین مالی بیرونی و اشتغال بخش فرهنگ: مورد صنایع دستی ایران^۱

توران کندری^۲

محمدعلی ابوترابی^۳

مهدی حاج‌امینی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

چکیده

اشتغال نیازمند توسعه کارآفرینی و سرمایه‌گذاری است که آن نیز توسط بخش مالی تأمین می‌شود. با توجه به اهمیت اشتغال‌زایی در اقتصادهای در حال توسعه، شناخت حوزه‌هایی که بتواند با منابع کوچک اشتغال‌زایی پایدار ایجاد کند، اهمیت می‌یابد. کاربرد و سرمایه‌اندوز بودن، از بارزترین ویژگی‌های اشتغال در حوزه فرهنگ و به ویژه صنایع دستی است. به همین دلیل حوزه فرهنگ و هنر دارای پتانسیل‌های بالایی جهت اشتغال‌زایی است و رشد آن طی دهه‌های اخیر موجب شده تا این حوزه در رأس توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد. بر همین اساس، پژوهش حاضر ارتباط تأمین مالی بیرونی و کارآفرینی زنان را با اشتغال‌زایی در حوزه فرهنگ و هنر در دو سطح کشوری و استانی به روش داده‌های تابلویی ارزیابی می‌کند. بدین منظور از اطلاعات ۶۵۷۵ مورد تسهیلات اعطایی بانک ملی ایران به حوزه صنایع دستی در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ در ۲۸ استان کشور استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که اشتغال‌زایی در حوزه فرهنگ به طور مثبت و معنی‌دار تحت تأثیر تأمین مالی بیرونی این بخش بوده است. البته برآوردها نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری‌ها و رشد اقتصادی منطقه‌ای موجب افزایش اشتغال در حوزه فرهنگ نشده است که احتمالاً یکی از دلایل آن تورش سرمایه‌بری است. نتایج مربوط به جنسیت نیز گویای آن است که با وجود کمتر بودن سرانه تسهیلات اعطایی به زنان کارآفرین در مقایسه با مردان، تأثیر مثبتی بر اشتغال فرهنگی در برخی از استان‌ها داشته‌اند.

واژگان کلیدی: تأمین مالی بیرونی، اشتغال، اقتصاد فرهنگ و هنر.

Keywords: External Financing, Employment, Economics of Arts and Culture.

JEL Classification: G21, J49, Z1.

^۱ مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد فرهنگ و هنر

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد فرهنگ و هنر، دانشکده هنر و معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)

kondori.tooran@yahoo.com

aboutorabi.econ@gmail.com

^۳ استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)

hajamini.mehdi@yazd.ac.ir

^۴ استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد

۱- مقدمه

اشتغال یکی از متغیرهای کلان اقتصادی است که اثرات آن تنها به بازار کار محدود نمی‌شود، بلکه به‌طور مستقیم با سطح زندگی در یک کشور ارتباط دارد. افزایش اشتغال نیازمند ایجاد و توسعه فعالیت‌های اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری است، اما سرمایه‌گذاری وابسته به ماهیت سرمایه‌بر یا کاربر بودن فعالیت اقتصادی، پیامدهای متفاوتی برای بازار کار به همراه خواهد داشت. بنابراین، شناخت قدرت اشتغال‌زایی حوزه‌های مختلف -از جمله حوزه فرهنگ و هنر- فضای روشن‌تری برای سیاست‌گذاری و انتخاب استراتژی توسعه فراهم ساخته و از هدر رفت منابع جلوگیری می‌کند.

مطرح شدن مقوله فرهنگ به عنوان پتانسیلی برای رشد و توسعه اقتصادی به نشست جهانی سیاست‌های فرهنگی مکزیک (۱۹۸۲) بر می‌گردد. در پی این نشست، مطالعات وسیعی از سوی مجامع بین‌المللی در راستای شناخت حوزه فرهنگ و توسعه آن با هدف رشد اقتصادی و ارتقاء کیفیت زندگی در کشورهای در حال توسعه صورت گرفت که می‌توان به دهه جهانی توسعه فرهنگی (۱۹۹۷-۱۹۸۸)، گزارش کنفرانس جهانی در فرهنگ و توسعه (۱۹۹۵)، کنفرانس بین‌دولتی سیاست‌های فرهنگی برای توسعه (۱۹۹۸)، اعلامیه جهانی یونسکو در زمینه تنوع فرهنگی (۲۰۰۱)، کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی (۲۰۰۳)، و کنوانسیون حفاظت و ارتقاء فرهنگ‌ها (۲۰۰۵) اشاره کرد. بر پایه این مطالعات، صنایع دستی^۱ به عنوان یک صنعت فرهنگی بومی که توان اشتغال‌زایی بالایی دارد، معرفی شد (جنا، ۲۰۱۰). همچنین، مشخص شد که تأمین مالی یکی از مهم‌ترین موانع پیش‌روی این صنعت است (یونسکو، ۲۰۰۷).

در ایران صنایع دستی رتبه اول از نظر تنوع محصول و رتبه سوم از نظر حجم تولیدات را به خود اختصاص داده که مطالعات نیز مؤید مزیت نسبی آن است (صباغ کرمانی و دائی، ۱۳۷۶: ۵؛ رستمی، ۱۳۸۳: ۴۵-۴۴؛ نجارزاده و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۸-۵۷؛ مهرآرا و رستمیان، ۱۳۸۵: ۱۶۲-۱۳۱؛ حسینی‌نسب و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۸۳-۲۵۵).

^۱. به محصولات تولید شده به دست افزارمندانی (صنعت‌گران) گفته می‌شود که به کمک دست، ابزار دستی و مکانیکی تولید شده باشد، به گونه‌ای که سهم فعالیت دستی تولیدکننده به عنوان جزء مهمی از محصول نهایی تولید شده در آن باقی بماند که از مشخصات متمایزکننده این محصولات به کاربردی بودن به همراه ویژگی زیبایی‌شناختی و تزئینی با نمادها، مفاهیم مذهبی و اجتماعی می‌باشد (یونسکو، ۱۹۹۷).

^۲. Jena (2010)

ایجاد اشتغال نیازمند دسترسی به «تأمین مالی درونی»^۱ و یا «تأمین مالی بیرونی»^۲ است که از موانع جدی انجمن‌های صنایع دستی برای اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری است (یونسکو، ۲۰۰۷). عرضه‌کنندگان و خرده‌فروشان این حوزه معمولاً عمده هزینه‌های تولید و فروش را از منابع داخلی تأمین می‌کنند که با توجه به تأخیر نحوه معاملات بالاخص در تجارت بین‌المللی هزینه‌های مازادی بر تولیدکنندگان، فروشندگان و صادرکنندگان صنایع دستی تحمیل می‌شود (گزارش آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده^۳، ۲۰۰۶: ۲۲-۲۱). بنابراین، به نظر می‌رسد که بهبود دسترسی به اعتبارات بیرونی برای تولیدکنندگان صنایع فرهنگی موجب توسعه این کسب و کارهای عمدتاً کاربر شده و در نتیجه، افزایش قابل ملاحظه‌ای در اشتغال را به همراه خواهد داشت.

آنچه در این جستار مد نظر قرار دارد، تأمین مالی بیرونی است که از طریق واسطه‌های مالی تحقق می‌یابد. واسطه‌های مالی با مبادله بدهی‌ها و دارایی‌های مالی، کانال‌هایی را برای تخصیص پس‌انداز به سرمایه‌گذاری فراهم می‌کنند (گارت^۴، ۱۹۸۸). در عین حال، از آن‌جا که سیستم مالی ایران بانک محور است، پژوهش حاضر اثر اعتبارات بیرونی بر اشتغال‌زایی در حوزه فرهنگ زیرشاخه صنایع دستی را با استفاده از داده‌های بانک ملی ایران بررسی می‌کند.

نوآوری پژوهش حاضر نسبت به ادبیات موضوع (که در بخش سوم تبیین خواهد شد) آن است که: (۱) به جای تحلیل کلان‌اشتغال، بر اشتغال در یک بخش خاص (صنایع دستی) تمرکز دارد؛ (۲) به جای آمارهای جمعی^۵، از آمارهای عامل محور^۶ استفاده می‌کند؛ (۳) به جای پرداختن به یک بخش کاربر سنتی، بخش فرهنگ را به عنوان مورد مطالعه خود انتخاب کرده است که علاوه بر کاربر بودن، به لحاظ «انتقال ساختاری تولید»^۷، یک بخش پیشرو در اقتصادهای توسعه یافته محسوب می‌شود؛ و در نهایت، (۴) نتایج خود را به تفکیک استان‌های کشور و نیز به تفکیک جنسیت ارائه می‌دهد.

ادامه مقاله شامل پنج بخش است. در بخش دوم، مبانی نظری پژوهش ارائه می‌شود. در بخش سوم، پیشینه پژوهش مرور می‌شود. در بخش چهارم، متغیرهای پژوهش و الگوی مربوطه تشریح می‌شود.

^۱ Internal Financing

^۲ External Financing

^۳ USAID: United States Agency International Development (2006)

^۴ Gart (1988)

^۵ Aggregate Statistics

^۶ Agent-based Statistics

^۷ Structural Transformation

^۸ برای مطالعه بیشتر در مورد جایگاه بخش فرهنگ در انتقال ساختاری تولید، ر. ک. زهراب (۱۳۹۵)

بخش پنجم، به تحلیل یافته‌های توصیفی و استنباطی اختصاص دارد و سرانجام، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی در بخش ششم آمده است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- اشتغال، تأمین مالی و توسعه مالی

بازارهای مالی یکی از ابزارهای مهم توسعه هستند چرا که با تخصیص منابع به طور مستقیم و غیر مستقیم در ایجاد و یا تخریب مشاغل اثرگذار می‌باشند. اقتصاددانان کلاسیک در مورد واسطه‌گری مالی غفلت کرده بودند تا این که بَجت^۱ (۱۸۷۳) و به دنبال آن، شومپتر^۲ (۱۹۱۲) بر اهمیت خدمات مالی در نوآوری و رشد تأکید نمودند. سپس مک‌کینون^۳ (۱۹۷۳) و شاو^۴ (۱۹۷۳) این مسئله را در چارچوب توصیه به آزادسازی مالی گسترش دادند که مطالعات تجربی کاپور^۵ (۱۹۷۶)، متیسون^۶ (۱۹۸۰)، و بورکت و وگل^۷ (۱۹۹۲) با تأیید رابطه سرمایه‌گذاری و آزادسازی مالی بر آن صحنه گذاشت.

از طرف دیگر، پاتریک^۹ (۱۹۶۶) با تمرکز بر تقدم بخش مالی یا واقعی دو فرضیه دنباله‌روی تقاضا^{۱۰} و رهبری عرضه^{۱۱} را مطرح می‌کند. راینسون^{۱۲} (۱۹۵۲) معتقد بود که رشد اقتصادی، تقاضا برای خدمات مالی را افزایش می‌دهد. در مقابل، لوین^{۱۳} (۱۹۹۷) با حمایت از فرضیه رهبری عرضه، توسعه خدمات مالی را تسهیل‌کننده رشد اقتصادی می‌داند. دورنوش و رینوسو^{۱۴} (۱۹۸۹)، ون ویجینبرگ^{۱۵} (۱۹۸۳) و تیلور^{۱۶} (۱۹۸۳) نیز به اثرات توسعه مالی مشکوک بودند و آن

^۱ Bagehot (1873)

^۲ Schumpeter (1912)

^۳ McKinnon (1973)

^۴ Shaw (1973)

^۵ Kapur (1976)

^۶ Mathieson (1980)

^۷ Burkett & Vogel (1992)

^۸ باید دقت شود که آزادسازی مالی تنها یکی از کانال‌های توسعه مالی است و برای ایجاد توسعه مالی متوازن، باید سه کانال دیگر توسعه مالی (تعمیق مالی، مدیریت ریسک و نوآوری مالی) نیز بهبود یابند (ر. ک. ابوترابی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۵).

^۹ Patrick (1966)

^{۱۰} Demand-Following

^{۱۱} Supply-Leading

^{۱۲} Robinson (1952)

^{۱۳} Levine (1997)

^{۱۴} Dornbusch & Reynoso (1989)

^{۱۵} Van Wijnbergen (1983)

^{۱۶} Taylor (1983)

را مانع رشد و توسعه می‌دانستند. به هر حال، تأثیرگذاری توسعه مالی در رشد و توسعه اقتصادی بارها مورد تأیید قرار گرفته است.

اشتغال‌زایی، نیازمند ایجاد و توسعه فعالیت‌های اقتصادی با سرمایه‌گذاری جدید است. سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی به دو شیوه تأمین مالی بیرونی و تأمین مالی درونی صورت می‌گیرد. در تأمین مالی درونی، از منابع مالی سهام‌داران شرکت استفاده می‌گردد، اما در تأمین مالی بیرونی، سرمایه مورد نیاز از بازار مالی تأمین می‌شود.

البته سرمایه‌گذاری و تأمین مالی الزاماً موجب اشتغال‌زایی نمی‌شود، چرا که هزینه‌کردها و در دسترس بودن تأمین مالی بیرونی اثرات مبهمی بر اشتغال دارد. از یک طرف تأمین مالی تسهیل‌کننده محدودیت‌های سرمایه‌گذاری است، و از طرف دیگر با جایگزینی سرمایه به جای نیروی کار و سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های سرمایه‌بر، اشتغال را کاهش می‌دهد (گارمایز^۱، ۲۰۰۸: ۵۷۷-۵۴۳؛ عاصم‌اوغلو^۲، ۲۰۰۱: ۶۷۹-۶۶۵؛ بوستانی‌فر^۳، ۲۰۱۴: ۳۵۴-۳۴۳).

به علاوه، هایامی (۱۳۸۲) بیان می‌کند که سرمایه‌گذاری بدون توجه به ویژگی‌های جمعیتی می‌تواند با ایجاد تورش سرمایه‌بری موجب کاهش رشد اقتصادی، اشتغال کمتر، افزایش فقر و نابرابری بیشتر شود؛ یا چنانچه اسلام و مزومدار^۴ (۲۰۰۷) بیان می‌کنند، تأمین مالی درونی در رشد اقتصاد چندانی اثرگذار نیست و حتی در برخی موارد تأثیر منفی دارد.

به هر حال اغلب پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اقتصادهای با بخش مالی توسعه‌یافته‌تر، سهم تأمین مالی بیرونی بیشتری داشته و متعاقباً به سه دلیل زیر رشد اقتصادی و اشتغال بالاتری را تجربه می‌کنند: (۱) کارآفرینان برای راه‌اندازی فعالیت اقتصادی توانمندتر شده و بدین ترتیب تعداد کارآفرینان بالفعل و اشتغال افزایش می‌یابد؛ (۲) با کاهش هزینه‌های تأمین مالی بیرونی، سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و در نتیجه با مکمل بودن سرمایه-کار، تقاضا برای نیروی کار افزایش می‌یابد؛ (۳) محدودیت‌های مالی شرکت‌ها برای استخدام نیروی کار کاهش می‌یابد (بوستانی‌فر، ۲۰۱۴: ۳۵۴-۳۴۳).

با توجه به ویژگی کاربری و یا سرمایه‌بری مشاغل، توسعه بازارهای مالی در هر حوزه‌ای نمی‌تواند برای هدف اشتغال‌زایی مؤثر و کارآمد باشد و جهت دستیابی به اهداف توسعه‌ای که اشتغال را در

¹ Garmaise (2008)

² Acemoglu (2001)

³ Boustanifar (2014)

⁴ Islam & Mozumdar (2007)

اولویت قرار می‌دهد؛ لازم است بر روی تأمین مالی فعالیت‌های کاربر و سرمایه‌اندوز تمرکز شود. صنایع دستی به دلیل این که ماهیتاً کاربر است، اثر منفی توسعه مالی بر اشتغال (از طریق جایگزینی سرمایه به جای نیروی کار) در آن احتمال وقوع کمتری دارد.

۲-۲- اقتصاد فرهنگ و اشتغال

دیدگاه‌های متفاوتی در مورد تقسیم‌بندی زیرشاخه‌های فرهنگ وجود دارد. اقتصاددانان فرهنگ، فعالان حوزه فرهنگ را در دو دسته قرار می‌دهند: هنرمندان و کارکنان فرهنگ. هنرمندان خود، شامل هنرمندان خلاق و هنرمندان اجرا هستند. هنرمندان تجسمی، نمایش‌نامه‌نویسان، نویسندگان ادبی، طراحان حرکات موزون و آهنگ‌سازان از هنرمندان خلاق محسوب می‌شوند. نوازندگان، خوانندگان، اجراکنندگان حرکات موزون و عروسک‌گردانان و نظایر آن از هنرمندان اجرا هستند. علاوه بر این، دسته سوم برای هنرمندان قائل می‌شوند که چون تولیدات آن‌ها با ایده‌های خلاقانه همراه است و شامل قانون کپی رایت می‌شود، با کمی مسامحه، در حوزه مطالعاتی بازار کار هنرمندان قرار داده می‌شوند که از آن‌ها با عنوان صنعت‌گران یاد می‌شود (توث^۱، ۲۰۱۰: ۳۱۹-۲۹۳).

دیدگاه دوم مدل دوایر متحد‌المركز صنایع فرهنگی^۲ است. کالاها و خدمات فرهنگی، تولیدکنندگانی دارند که در نحوه فعالیت‌های خود با یکدیگر تفاوت‌های بسیاری دارند، اما در این ویژگی مشترک هستند که کالاها و خدمات آن‌ها، ارزش فرهنگی و ارزش اقتصادی تولید می‌کنند (تراسبی^۳، ۲۰۰۸: ۱۴۷-۱۶۴؛ تونلی^۴ و دیگران، ۲۰۰۹: ۹۳۹-۹۶۲؛ لرمیت و دیگران^۵، ۲۰۱۴). بر اساس این ویژگی، کل صنایع فرهنگی به یک دایره تشبیه شده که دارای چهار بخش متحد‌المركز است. با حرکت از مرکز این دایره به سمت محیط آن، از ارزش فرهنگی کاسته شده و به ارزش اقتصادی تولیدات افزوده می‌شود. در مرکز این دایره، هنرهای خلاق^۶ قرار دارند که بیشترین ارزش فرهنگی را به خود اختصاص می‌دهند (مانند هنرهای بصری)، بخش بعدی با عنوان صنایع هسته‌ای فرهنگی^۷ شناخته می‌شود (مانند صنعت فیلم‌سازی). بخش سوم که به محیط دایره

^۱. Towse (2010)

^۲. Concentric Circles Model of Cultural Industries

^۳. Trosby (2008)

^۴. Townley (2009)

^۵. Lhermitte (2014)

^۶. Creative Arts

^۷. Other Core Cultural Industries

نزدیک‌تر است را صنایع وسیع‌تر فرهنگی^۱ می‌دانند (مانند صنایع نشر و ضبط صدا). صنایع مرتبط^۲ در بیرونی‌ترین بخش از دایره صنایع فرهنگی جای داده می‌شوند (از جمله تبلیغات). دیدگاه دیگر، صنایع فرهنگی را شامل تولیداتی می‌داند که منشأ محتوایی دارند (مانند تولید فیلم و یا ساخت موزیک)، مکان‌هایی که در آن تبادلات صورت می‌گیرد (مانند تئاترها، موزه‌ها و کتابخانه‌ها)، صناعی که ویژگی اصلی آن‌ها تولید انبوه است (مانند چاپ و صدا و سیما)، کالاهایی که به تولید درون‌داده‌های مورد نیاز سایر صنایع فرهنگی می‌پردازند (مانند ابزارهای موسیقایی و یا تجهیزات فیلم‌سازی)، مکان‌هایی که در آن‌ها آموزش و انتقادات رخ می‌دهد (مانند فضاهای آموزشی فرهنگی) و سرانجام صناعی که مرکز آرشو و نگهداری هستند مانند موزه‌ها (اسکات^۳، ۱۹۹۹: ۸۱۷-۸۰۷؛ پرات^۴، ۲۰۰۵: ۴۴-۳۱).

سرانجام، منسجم‌ترین تقسیم‌بندی، کل فرهنگ را به سه زیرشاخه هنر (مانند هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی و ادبیات)، میراث فرهنگی (مانند موزه‌ها و بناهای تاریخی) و صنایع خلاق (مانند صنعت نشر، فیلم‌سازی، موسیقی) تقسیم می‌کند که تقریباً تمامی برون‌دادهای حوزه فرهنگ را تحت پوشش قرار می‌دهد (توت^۵، ۲۰۱۰: ۳۱۹-۲۹۳).

زمانی که هر یک از رویه‌های فرهنگی مذکور با بازار مرتبط می‌شوند، انگیزه اقتصادی به منطق و بنیان کار هنری مسلط شده و استراتژی‌های رشد و اشتغال نقش غالب‌تری پیدا می‌کنند (ایکوف و هانزچایلد^۶، ۲۰۰۷، ۵۳۸-۵۲۳؛ تونلی و دیگران^۷، ۲۰۰۹: ۹۶۲-۹۳۹). البته ویژگی‌های درون‌بخشی حوزه فرهنگ نیز اهمیت دارد. به عنوان مثال، بخش تبلیغات و معماری، به طور آشکاری مشتری‌محور بوده و بر پایه تولید گروهی استوار است. لذا فرصت‌های چشم‌گیری برای اشتغال‌زایی وجود دارد (استم و دیگران^۸، ۲۰۰۸: ۱۳۲-۱۱۹؛ موداس^۹، ۲۰۱۲: ۳۳۱-۳۱۵). اما در بخش هنرهای خلاق که تولید با محوریت فرد صورت می‌گیرد، کارآفرینی با منطق افزایش اشتغال، سازگار نیست (کیوز^{۱۰}، ۲۰۰۰؛ راتن^{۱۱} و دیگران^{۱۲}، ۲۰۰۴).

به هر حال، سرشماری‌ها و مطالعات مربوط به کشورهایی از قبیل فرانسه، آمریکا، بریتانیا، استرالیا

¹. The Wider Cultural Industries

². The Related Industries

³. Scott (1999)

⁴. Pratt (2005)

⁵. Eikhof and Haunschild (2007)

⁶. Stam (2008)

⁷. Moedas (2012)

⁸. Caves (2000)

⁹. Rutten (2004)

و... به خوبی نمایانگر رشد پایدار و مداوم اشتغال هنرمندان در دهه‌های اخیر است (پرات^۱، ۱۹۹۷a,b؛ گیبسون^۲ و دیگران، ۲۰۰۲: ۱۸۹-۱۷۳). برای مثال، کلوترمن^۳ (۲۰۰۴) بیان می‌کند که اشتغال در صنایع فرهنگی در دهه گذشته افزایش یافته است. آمستردام از نظر اشتغال رتبه یک را به خود اختصاص می‌دهد. روتردام نیز معروف‌ترین شرکت‌های بین‌المللی معماری را در خود جای داده است. یا سرشماری‌ها نشان‌دهنده رشد ۹۸٪ شاغلان حوزه فرهنگ در فرانسه و رشد ۷۸٪ در آمریکا طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ است (فایست^۴ و دیگران، ۱۹۹۸: ۱۸۰-۲۰۰).

این مسئله احتمالاً به دلیل ویژگی‌های بازار کار حوزه‌های مختلف فرهنگ است که آن را از بازار کار سایر صنایع متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها در جدول ۱ خلاصه شده‌اند (استیگلر^۵، ۱۹۶۲: ۱۰۵-۹۴؛ اکان^۶، ۱۹۸۱؛ آلپر و گالیگان^۷، ۱۹۹۹: ۲۰۳-۱۷۸).

صنایع دستی بخشی از صنایع فرهنگی است و بازار کار آن ویژگی‌های اشاره شده در جدول ۱ را دارد، اما ویژگی‌های منحصر به فردی نیز دارد که در طرف چپ جدول ۱ نشان داده شده است (مرکز تجارت بین‌الملل^۸، ۲۰۰۹). این ویژگی‌ها کمک کرده که قابلیت اشتغال‌زایی و درآمدزایی پایدار صنایع دستی مناسب‌تر از سایر حوزه‌های فرهنگی تلقی شود. در همین راستا، توصیه می‌شود که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه با تکیه بر این حوزه دنبال شوند؛ هم‌چنان که کشورهای هند، چین و سایر کشورهای آسیای شرقی پیشرو حوزه صنایع دستی هستند (یونسکو، ۲۰۰۷؛ سازمان توسعه صنعتی ملل متحد^۹، ۲۰۱۳).

^۱. Pratt (1997 a, b)

^۲. Gibson (2002)

^۳. Kloosterman (2004)

^۴. Feist (1998)

^۵. Stigler (1962)

^۶. Okun (1981)

^۷. Alper & Galligan (1999)

^۸. ITC: International Trade Center

^۹. UNIDO: United Nations Industrial Development Organization

جدول ۱: ویژگی‌های بازار کار فرهنگ و بازار کار زیرشاخه صنایع دستی

| ویژگی‌های مشترک بازار کار حوزه‌های فرهنگ | مشخصات منحصر به فرد بازار کار صنایع دستی |
|--|--|
| گرایش‌های شغلی غالباً در جهت خود اشتغالی، اشتغال پاره‌وقت و یا ترکیبی از هر دو | استفاده از ابزارآلات ساده و دستی و متعاقباً نیاز به سرمایه‌گذاری کم جهت راه‌اندازی و توسعه |
| توانایی خود کنترلی مشاغل، حس قوی موفقیت در تولید برون‌داد و توانایی تنظیم پیشرفت خود | امکان ایجاد، توسعه و انتقال تجربیات و آموزش‌ها در همه مکان‌ها |
| چندشغلی (ترکیب فرصت‌های شغلی متعدد برای کاهش ریسک شغلی) | کاربر بودن و قابلیت اشتغال‌زایی تمام‌وقت یا نیمه‌وقت برای افراد با مهارت یا کم‌مهارت |
| میانگین سنی کمتر در مقایسه با سایر گروه‌های کاری | جزء زنجیره ارزش حوزه‌های گردشگری و کشاورزی |
| تحصیلات بهتر و سرمایه انسانی قابل ملاحظه‌تر | ارزش افزوده بالاتر در مقایسه با بسیاری از صنایع |
| نرخ بالاتر خوداشتغالی نسبت به سایر صنایع | قابلیت اشتغال‌زایی در مناطق شهری و روستایی |
| تمرکز در کلان‌شهرها | دسترسی محلی به بخش عمده‌ای از مواد اولیه |
| ریسک‌پذیری بیشتر | ارز آوری به علت ماهیت صادراتی |

منبع: طبقه‌بندی محقق

۳- پیشینه پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر تأمین مالی بر اشتغال‌زایی بخش فرهنگ حوزه صنایع دستی است. با این حال، پژوهش برجسته‌ای که به طور مستقیم به بحث تأمین مالی بیرونی و اشتغال صنایع دستی در حوزه خرد پرداخته باشد مشاهده نشده است. اما پژوهش‌های بسیاری در زمینه ارتباط تأمین مالی با اشتغال در سطح کلان انجام گرفته که مرور آن‌ها می‌تواند از جهت مقایسه و قابلیت تعمیم بحث مفید باشد. به همین دلیل، در ادامه، به طور خلاصه به آن‌ها پرداخته می‌شود. عاصم اوغلو (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که موانع بیشتر بازارهای مالی در اروپا نسبت به آمریکا یکی از دلایل بالاتر بودن بیکاری در اروپا است.

برگس و رابین^۱ (۲۰۰۳) با بررسی اطلاعات روستایی هند به روش داده‌های تابلویی نشان می‌دهند که افزایش شعبه‌های بانکی موجب افزایش تولید و اشتغال و کاهش فقر و نابرابری در روستاها شده است.

دمتریادس و دیگران^۲ (۲۰۰۸) به بررسی رابطه بین اعتبارات بانکی و اشتغال در اقتصاد چین پرداختند و با استفاده از روش داده‌های تابلویی نتیجه گرفتند که بین میزان اشتغال و میزان تسهیلات اعطایی ارتباط مثبتی وجود دارد.

^۱. Burges & Robin (2003)

^۲. Demetriades (2008)

میریم و لاو^۱ (۲۰۰۹) با مطالعه اعطای تسهیلات اشتغال‌زایی در مکزیك نشان می‌دهند که این تسهیلات حدود ۱/۴ درصد در رشد اشتغال تأثیر مثبت داشته است.

کریج^۲ و دیگران (۲۰۱۰) به مطالعه ارتباط توسعه اعتباری بنگاه‌های کوچک بر روی اشتغال پرداختند. نتایج آن‌ها نشان‌دهنده اثر مثبت این تسهیلات بر عملکرد اقتصاد است.

پاگانو و پیکا^۳ (۲۰۱۱) چگونگی تأثیر توسعه مالی بر اشتغال، سطح دستمزد و بازتوزیع اشتغال در صنایع مختلف را با روش داده‌های مقطعی بررسی کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد که توسعه مالی سبب افزایش اشتغال و افزایش دستمزدها می‌شود. زمانی که کشش دستمزد عرضه نیروی کار بیشتر باشد، اثر توسعه مالی بر اشتغال بیشتر، اما در سطوح بالای توسعه مالی دستمزد تعادلی کمتر خواهد بود.

بوستانی‌فر^۴ (۲۰۱۴) اثر توسعه بازار اعتباری بر اشتغال را در آمریکا با روش داده‌های تابلویی بررسی می‌کند. نتایج وی، اثرگذاری اصلاحات مالی بانک‌ها بر اشتغال را تأیید می‌کند.

ارهارت^۵ (۲۰۱۷) در قالب رگرسیون داده‌های تابلویی برای بنگاه‌های بلغارستان نشان داد که تأمین مالی خرد اثر مثبتی بر اشتغال‌زایی داشته است. این اثر در بلندمدت (شش سال) پایدار بوده است.

ترحمی (۱۳۸۸) اهمیت بخش خدمات مالی در ایجاد اشتغال را با استفاده از جدول داده-ستانده بررسی می‌کند. وی نتیجه می‌گیرد که بخش خدمات مالی نمی‌تواند از طریق ایجاد تقاضا موجب اشتغال‌زایی گردد، ولی قطعاً از طریق عرضه خدمات خود در سایر بخش‌ها، مؤثر خواهد بود.

طیسی و دیگران (۱۳۸۹) اثر تسهیلات بانکی کشور در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات را بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که عملکرد نظام بانکی در دوره مذکور دارای نوسان بوده و در برخی از سال‌ها موجب تخریب شغل شده است. اما به‌طور میانگین بخش کشاورزی بالاترین میانگین ایجاد شغل و خدمات، پائین‌ترین میانگین اشتغال‌زایی را داشته است.

فعالیت و خاقانی (۱۳۹۰) اثر اعتبارات خرد بر ایجاد اشتغال را با استفاده از مدل پروبیت بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد وام پرداختی بر اشتغال با پرداخت دستمزد بی‌اثر و بر اشتغال بدون پرداخت دستمزد تأثیر اندکی داشته است.

کاظمی (۱۳۹۰) به بررسی اثر نرخ بهره بانکی بر اشتغال پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که نرخ

^۱. Miriam & Love (2009)

^۲. Craig (2010)

^۳. Pagano & Pica (2011)

^۴. Boustanifar (2014)

^۵. Erhardt (2017)

بهره بانکی برای این که بتواند منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و اشتغال شود باید تا حد بازدهی واقعی کاهش پیدا کند. افزایش نرخ سود موجب سرازیر شدن سرمایه نقدی به بازارهای غیر متشکل پولی می‌شود و کاهش سرمایه‌گذاری و اشتغال را در بازارهای واقعی به دنبال خواهد داشت.

حسین‌زاده و نصرتی (۱۳۹۳) تأثیر وام‌های خرد بر اشتغال را در استان‌های منتخب به روش داده‌های تابلویی بررسی می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که تسهیلات اعطایی بر اشتغال تأثیر مثبت داشته است.

در محاسبات کلان اشتغال، با ادغام اشتغال بخش‌های مختلف، اثربخشی سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه‌های مختلف پنهان شده و نقش هر یک از آن‌ها در ایجاد و یا تخریب شغل نمایان نمی‌شود. سرمایه‌گذاری‌ها با توجه به ویژگی‌های اشتغال در هر حوزه، رفتارهای متفاوتی دارند؛ به ویژه شواهد نشان می‌دهد که گاهی سرمایه‌گذاری‌های کلان موجب تخریب مشاغل موجود و افزایش بیکاری می‌شود. لذا، بررسی اشتغال‌زایی در سطح بخشی، رفتار متغیرها را روشن نموده و در نتیجه، توانایی تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران در تخصیص بهینه منابع را با توجه به وضع اقتصادی (رونق و یا رکود) افزایش می‌دهد. به همین جهت، این پژوهش در مقایسه با غالب ادبیات موضوع، به جای ارائه یک تحلیل کلان و جمعی، بر روی بخش صنایع دستی تمرکز می‌کند. به علاوه، برای ارائه یک تحلیل آماری دقیق‌تر و عمیق‌تر، از آمارهای عامل‌محور استفاده می‌کند و نتایج را نیز به تفکیک استانی و جنسیتی گزارش و تحلیل می‌کند.

اهمیت اشتغال در توزیع درآمد و افزایش تعداد فعالان حوزه صنایع فرهنگی در کشورهای توسعه‌یافته از یک طرف و ویژگی‌های خاص حاکم بر فضای شغلی این حوزه - که با عدم امنیت شغلی و قراردادهای کوتاه‌مدت کاری همراه است^۱ - از طرف دیگر، اهمیت شناخت و مطالعه حوزه فرهنگ را دوچندان می‌کند. لذا، این پژوهش در مقایسه با برخی از مطالعات قبلی که بخش‌های کاربر سنتی در اقتصاد را مورد توجه قرار داده‌اند، با تمرکز بر بخش فرهنگ (به عنوان بخشی که امروزه پیشران انتقال ساختاری تولید در کشورهای توسعه‌یافته محسوب می‌شود)، به اهمیت توسعه مالی در این بخش و تأثیر آن بر اشتغال‌زایی می‌پردازد.

^۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک. واسال و آلپر (۱۹۸۵، ۲۰۰۶).

۴- متغیرهای پژوهش و تصریح الگو

در این پژوهش، برای بررسی فرضیه‌ها از آمار توصیفی و استنباطی با مدل داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. دو فرضیه این پژوهش عبارتند از:

(۱) تأمین مالی بیرونی طرح‌های سرمایه‌گذاری مربوط به صنایع دستی تأثیر مثبت

معنی‌داری بر اشتغال‌زایی این بخش دارد؛

(۲) سهم اعتبارات به زنان (در مقایسه با مردان) در بخش صنایع دستی تأثیر مثبت

معنی‌داری بر اشتغال در این بخش دارد.

بدین منظور از اطلاعات ۶۵۷۵ طرح تأمین مالی شده از سوی بانک ملی ایران در حوزه صنایع دستی طی سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۳ استفاده شده است (جدول ۱- پیوست). البته استان‌های خراسان جنوبی، کرمانشاه و گلستان به دلیل ناقص بودن اطلاعات از نمونه حذف شده‌اند. معادله رگرسیونی پژوهش به شرح زیر است:

$$\text{Ln}(\text{EMP}_{it}) = \beta_1 + \beta_2 \text{Ln}(\text{EF}_{it}) + \beta_3 \text{Ln}(\text{IF}_{it}) + \beta_4 \text{CG}_{it} + \beta_5 \text{FM}_{it} + \beta_6 \text{INF}_{it} + \beta_7 \text{GR}_{it} + \beta_8 \text{Ln}(\text{PRO}_{it}) + U_{it} \quad (1)$$

متغیر وابسته (EMP) اشتغال ایجاد شده در صنایع دستی با استفاده از اعتبارات بانک ملی ایران است. متغیرهای توضیحی بر اساس پژوهش‌های مرتبط مانند سبحانی و عزیزمحمدلو (۱۳۸۴) و احسانی زنون و دیگران (۱۳۹۳) انتخاب شده‌اند که در ادامه بر اساس ادبیات موضوع مربوطه نیز شرح داده می‌شوند.

نقش تأمین مالی: تأمین مالی بیرونی (EF) نشان‌دهنده تسهیلات اعطایی بانک ملی به طرح‌های صنایع دستی است. متغیر توضیحی دیگر، نسبت تأمین مالی درونی به مجموع تأمین مالی بیرونی و درونی در طرح‌های صنایع دستی (IF) است.

نقش سرمایه فیزیکی: نسبت مجموع اعتبارات عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در هر استان به تولید ناخالص همان استان (CG) که به عنوان جانشین نرخ موجودی سرمایه استان استفاده شده است^۱. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، سرمایه‌گذاری‌ها باید با توجه به شرایط و اولویت‌ها

^۱ سرمایه استانی موجود نیست، بنابراین بر اساس امینی و دیگران (۱۳۷۷) و هژبرکیانی و نقیبی (۱۳۹۴) از اعتبارات عمرانی و سرمایه‌گذاری صنعتی استفاده شده است.

صورت پذیرد؛ در غیر این صورت، ممکن است با تورش سرمایه‌بری در بخش‌های غیر مولد همراه شود.

نقش جنسیت: این پژوهش به تأثیر زنان در استفاده‌ی اثربخش از تأمین مالی بیرونی جهت بهبود اشتغال در حوزه صنایع دستی نیز می‌پردازد. به همین دلیل نسبت تعداد تسهیلات اعطایی به زنان نسبت به کل تسهیلات اعطایی (FM) به عنوان متغیر توضیحی در معادله رگرسیون لحاظ می‌شود. زنان تقریباً نیمی از جمعیت هستند و بنابراین شناخت نقش آن‌ها به‌خصوص در بازار کار راه‌کارهایی را جهت توسعه مشارکت این قشر ارائه خواهد داد. در کشورهای توسعه‌نیافته، مشارکت‌های اقتصادی زنان به دلیل عوامل گوناگون با مشکل و موانع متعددی همراه است (کالان و ورن^۱، ۱۹۹۴). متغیر جنسیت در پژوهش‌های متعددی بررسی شده که برخی اثرگذار بودن (هالوت^۲، ۲۰۰۵: ۱۰۲-۷۵؛ کاوند و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۱۳-۱۸۹) و برخی دیگر، بی‌اهمیت بودن اثر متغیر جنسیت بر متغیرهای اقتصادی را نشان می‌دهد (کورن‌وال^۳ و دیگران، ۲۰۰۷: ۲۰-۱). به‌طور خاص، پژوهش‌های توماس^۴ (۱۹۹۰)، حداد^۵ و دیگران (۱۹۹۷)، هاندا و دیویس^۶ (۲۰۰۶) و رالینگز و روبیو^۷ (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که زنان با احتمال بالاتری نسبت به مردان از منابع مالی جهت بهبود رفاه استفاده می‌کنند.

نقش تورم: تورم (INF) بالا، عدم اطمینان فعالیت‌های تولیدی را افزایش داده و سرمایه‌ها را به سمت فعالیت‌های غیر مولد انتقال می‌دهد (میر^۸، ۲۰۰۰). از طرف دیگر، اگر همگام با افزایش قیمت‌ها، بهره‌وری نیروی کار افزایش نیابد، تقاضای نیروی کار طبق اصل بیشینه‌سازی سود بنگاه کاهش می‌یابد. عدم هماهنگی رشد نرخ دستمزد و بهره‌وری، معمولاً در بازار کاری که تابع قانون حداقل دستمزد است اتفاق می‌افتد که سطح بیکاری را افزایش می‌دهد (چپمن و اتلینگر^۹، ۲۰۰۴: ۱-۷).

نقش رشد اقتصادی: الگوی رشد اقتصادی ممکن است منجر به تورش به سمت تکنولوژی کاراندوز شده و اشتغال را کاهش دهد. بنابراین در کشورهای در حال توسعه با وجود رشد بالای

^۱. Callan & Wren (1994)

^۲. Holvoet (2005)

^۳. Cornwall (2007)

^۴. Thomas (1990)

^۵. Haddad (1997)

^۶. Handa & Davis (2006)

^۷. Rawlings & Rubio (2005)

^۸. Meyer (2000)

^۹. Chapma & Ettlinger (2004)

جمعیت، انتخاب تکنولوژی باید با توجه به نیازهای جمعیت صورت گیرد.^۱ بنابراین، رشد اقتصادی اقتصادی (GR) به عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار بر اشتغال وارد معادله رگرسیون شده تا تأثیر آن بر اشتغال حوزه فرهنگ و هنر ارزیابی شود.

نقش بهره‌وری نیروی کار: بهره‌وری نیروی کار (PRO) از نسبت تولید حقیقی به اشتغال به دست آمده که منعکس‌کننده نرخ دستمزد واقعی نیز هست. با توجه به اصل بیشینه‌سازی سود، رفتار کارفرمایان در جایگاه متقاضی نیروی کار بنگاه متأثر از تغییرات نرخ دستمزد است (سالواتوره^۲، ۱۹۹۸). همچنین بر طبق نظریه دستمزد-کارآیی، هرچه بهره‌وری بالاتری داشته باشد، دلایل و انگیزه بیشتری برای پرداخت بالاتر از سطح دستمزد بازار وجود خواهد داشت (سولو^۳، ۱۹۷۹: ۷۹-۸۲). بر این اساس تأثیر بهره‌وری بر اشتغال حوزه فرهنگ و هنر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۵-۱- آمار توصیفی

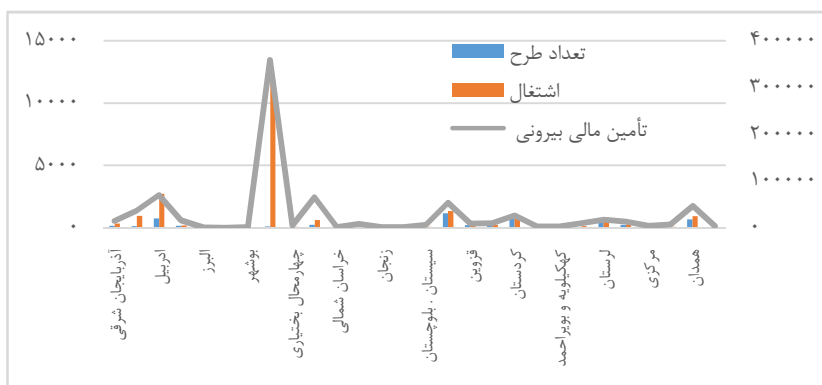
مجموعاً تعداد ۶۵۷۵ طرح در حوزه صنایع دستی از سوی بانک ملی در بازه ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ تأمین مالی شده است. استان فارس بیشترین و استان ایلام کم‌ترین تعداد طرح‌های تأمین مالی شده را داشته‌اند. همچنین استان تهران با تعداد ۱۱۸۰۰ نفر، بیشترین و استان ایلام با ۶ نفر کم‌ترین اشتغال را ایجاد نموده‌اند. متناظراً استان تهران بیشترین و استان ایلام کم‌ترین مبلغ تسهیلات را در حوزه صنایع دستی دریافت نموده است. از شواهد برمی‌آید که در استان تهران مبلغ ۳۵۸۸۱۲ میلیون ریال به تعداد ۱۱۷ طرح صنایع دستی تعلق گرفته که توانسته ۱۱۸۰۰ شغل ایجاد کند. اما در استان فارس، ۵۳۵۶۳ میلیون ریال تسهیلات به ۱۱۶۷ طرح که برای ۱۳۴۰ نفر اشتغال‌زایی داشته، تعلق گرفته است. پس تعداد طرح‌های استان فارس حدود ۱۰ برابر استان تهران، و در مقابل مبلغ تسهیلات تهران تقریباً ۷ برابر استان فارس است. پس با توجه به این که اشتغال تهران نزدیک ۹ برابر استان فارس است، ممکن است بتوان نتیجه گرفت هرچه طرح‌ها مقیاس وسیع‌تری داشته

^۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک. هایامی (۱۳۸۲: ۲۲۲-۱۴۵).

^۲. Salvatore (1998)

^۳. Solow (1979)

باشند، یک میزان تسهیلات پرداختی به نسبت اشتغال بیش‌تری ایجاد خواهد کرد^۱ (نمودار ۱).



منبع: یافته‌های پژوهش

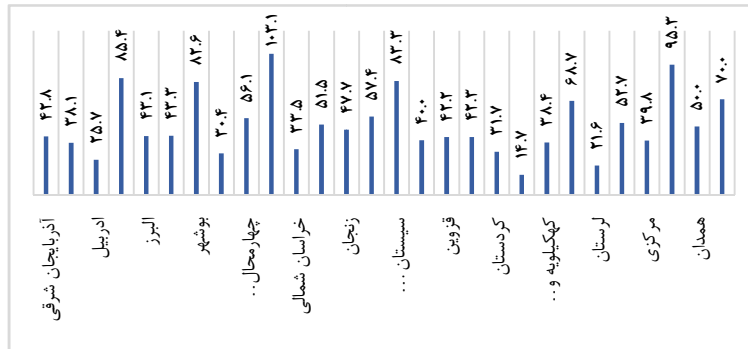
نمودار ۱: تعداد طرح‌ها، میزان اشتغال ایجاد شده و مبلغ تسهیلات پرداخت شده هر استان

بیشترین میزان تأمین مالی درونی مربوط به استان تهران است که خلاف انتظار هم نیست. استان خراسان رضوی رتبه دوم در میزان تسهیلات دریافتی را دارد؛ اما از حیث اشتغال‌زایی در رتبه هفتم قرار گرفته است، چون تخصیص منابع در مشاغلی مانند جواهرسازی صورت گرفته که مواد اولیه تولید از فلزات گران‌بها تأمین می‌گردد. جالب‌تر آن که در این استان، منابع درونی سهم بیشتری در قیاس با منابع مالی بیرونی دارد؛ در حالی که اثر سرمایه‌گذاری شخصی در اشتغال‌زایی آن متفاوت از سایر استان‌ها نیست. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که این حوزه برای دستیابی به افزایش اشتغال، شدیداً وابسته به تأمین مالی بیرونی و مشارکت نهادهای مالی است. همچنین، استان‌های یزد و قزوین فاقد تأمین مالی درونی هستند که اهمیت نقش تسهیلات را در اشتغال این استان‌ها منعکس می‌کند.

نمودار ۲ تسهیلات لازم برای ایجاد یک شغل در حوزه صنایع دستی را به تفکیک هر استان مشخص می‌کند. در کل کشور مبلغ سرانه ۳۵/۵۴ میلیون ریال تسهیلات صرف شده تا در حوزه صنایع دستی یک شغل ایجاد گردد. بررسی استان‌ها نشان می‌دهد خراسان رضوی با مبلغ سرانه ۱۰۳/۱۴ میلیون ریال بیشترین میزان و استان کرمان با مبلغ سرانه ۱۴/۷۳ میلیون ریال کمترین میزان تسهیلات را برای ایجاد یک شغل هزینه کرده‌اند. در تهران نیز به طور متوسط در ازاء ۳۰/۴ میلیون

^۱ البته علت اختلاف فاحش بین استان تهران با سایر استان‌ها با توجه به جایگاه پایتخت، بر اساس تئوری‌های اقتصاد شهری قابل بررسی است که خارج از حوزه این پژوهش است.

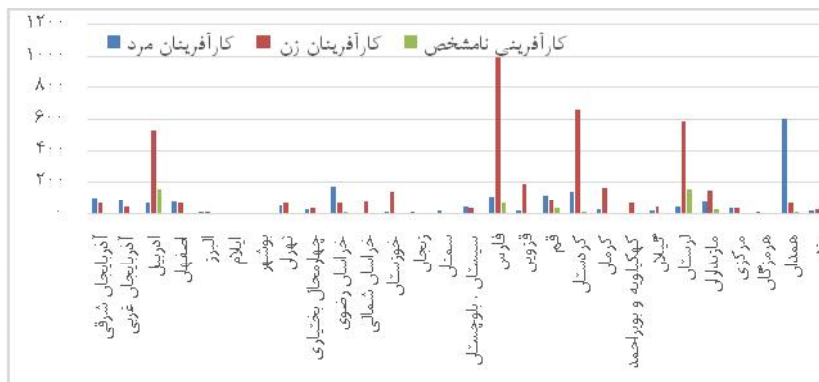
ریال تأمین مالی بیرونی یک شغل ایجاد شده است. این تفاوت‌ها منعکس‌کننده تفاوت در تکنولوژی تولید محصولات است. در واقع، تنوع در محصولات صنایع دستی بسیار بالا و ناهمگن می‌باشد. برخی در دسته منسوجات، برخی سفال و سرامیک، برخی فلز، چوب، سنگ و ... قرار دارند که در تأمین مواد اولیه و تکنولوژی تولید متفاوت هستند.



منبع: یافته‌های پژوهش

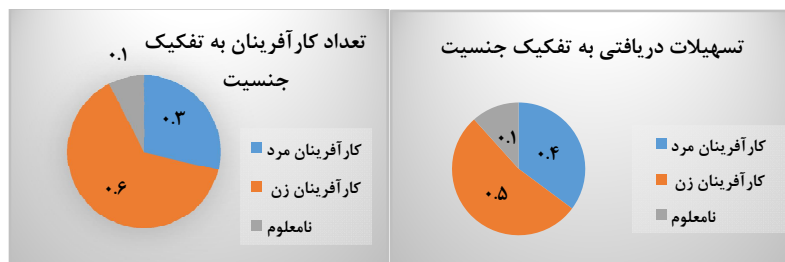
نمودار ۲: تسهیلات لازم برای ایجاد یک شغل در حوزه صنایع دستی (میلیون ریال)

برای مقایسه وضعیت کارآفرینی زنان و مردان، محاسبات نشان می‌دهد استان فارس با بیشترین تعداد طرح‌ها، بیشترین کارآفرینان زن را دارا است. در استان‌های همدان و خراسان رضوی تعداد کارآفرینان مرد با اختلاف فاحشی بیشتر از کارآفرینان زن است (نمودار ۳). طبق نمودار ۴ تعداد کارآفرینان زن حدود دو برابر مردان است، اما مبالغ دریافتی از سوی زنان با مبالغ دریافتی از سوی مردان تقریباً برابری می‌کند.



منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار ۳: نسبت (درصد) تعداد کارآفرینان زن به مرد در کل کشور



منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار ۴: سهم کارآفرینان و سهم تسهیلات دریافتی به تفکیک جنسیت

۵-۲- آمار استنباطی: برآورد مدل

ابتدا آزمون بروش-پاگان جهت تعیین آماری اثرات استانی و زمانی استفاده شد. فرضیه صفر این آزمون عدم وجود اثرات فرد یا زمان است. طبق جدول ۲، احتمال آماره‌ی نبود اثرات زمانی ۰/۷ بدست آمده که اختلاف قابل توجهی با ۰/۰۵ دارد و فرضیه صفر رد نمی‌شود؛ یعنی بین سال‌های مختلف تفاوت خاصی در تأثیر بر اشتغال وجود ندارد. احتمال آماره محاسباتی برای اثرات استانی ۰/۲ بدست آمده، پس برای اطمینان از عدم وجود این اثرات، از آزمون F تجزیه و تحلیل واریانس نیز استفاده شده است.^۱ نتیجه آزمون نشان می‌دهد که احتمال آماره F کمتر از ۰/۰۵ است و تأییدکننده رگرسیون داده‌های تابلویی با وجود اثرات استانی است. بنابراین، رگرسیون یک‌طرفه با اثرات استانی تأیید می‌شود.

در ادامه، جهت تشخیص ثابت یا تصادفی بودن اثرات استانی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. فرضیه صفر این آزمون، بر رگرسیون داده‌های تابلویی با اثر تصادفی و فرضیه مقابل به رگرسیون داده‌های تابلویی با اثرات ثابت دلالت دارد. همان‌طور که در جدول ۲ مشخص است، احتمال آماره محاسباتی کمتر از ۰/۰۵ است و در نتیجه فرضیه صفر رد می‌شود. به عبارت دیگر، بین جملات اخلاص و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود دارد و در صورتی که از روش اثرات تصادفی استفاده شود، برآوردها ناریب و ناسازگار خواهند بود.

بنابراین معادله ۱ بر اساس حداقل مربعات با اثرات ثابت استانی برآورد شد که نتایج در طرف راست جدول ۲ گزارش شده است. آزمون F نشان‌دهنده معنی‌داری ضریب تعیین و موفقیت الگو در توضیح متغیر وابسته است. ضریب تعیین تعدیل‌شده نیز خوبی برازش الگوی انتخابی را نشان

^۱ آزمون بروش-پاگان و F هر دو برای بررسی وجود اثرات فردی استفاده می‌شوند؛ منتها مبنای آزمون بروش-پاگان مدل اثرات تصادفی است، در حالی که مبنای بررسی اثرات فردی در آزمون F ، مدل اثرات ثابت است.

می‌دهد به طوری که متغیرهای توضیحی ۹۰ درصد از تغییرات اشتغال را توضیح می‌دهند. در ادامه، ضرایب متغیرها بر اساس مبانی نظری تحلیل و تفسیر می‌شوند.

جدول ۲: نتایج برآورد معادله (۱)

| متغیر توضیحی | ضرایب متغیرها | آزمون و معیارهای برازش الگو |
|----------------------------|------------------------|---|
| عرض از مبدأ | -۲۷/۴۱۰۳ [°] | آزمون بروش-پاگان |
| تأمین مالی بیرونی | ۰/۹۶۷۵ ^{***} | برای اثرات فردی (۰/۲۲) ۰/۵۸ |
| سهم تأمین مالی دورنی | ۰/۰۰۵۵ | برای اثرات زمانی (۰/۷۱) ۰/۰۰۰۱ |
| نسبت سرمایه‌گذاری به تولید | -۰/۹۲۷۵ [°] | آزمون F برای اثرات فردی (۰/۰۱) ۱/۹۴ ^{**} |
| سهم تعداد تسهیلات به زنان | ۰/۰۰۰۴ | آزمون هاسمن (۰/۰۰) ۱۹/۹۶ ^{***} |
| نرخ تورم | -۰/۸۷۹۵ ^{***} | معنی‌داری کلی رگرسیون (۰/۰۰) ۲/۹۵ ^{***} |
| نرخ رشد اقتصادی | -۰/۹۰۴۰ ^{***} | ضریب تعیین ۰/۹۳ |
| بهره‌وری | ۱/۴۵۴۴ | ضریب تعیین تعدیل‌یافته ۰/۹۰ |

°، ** و *** به ترتیب معنی‌داری در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد را نشان می‌دهند. اعداد داخل پرانتز، احتمال آماره مربوطه هستند.

منبع: یافته‌های پژوهش

اثر تأمین مالی بیرونی: تسهیلات بانکی ارتباط مستقیمی با ایجاد اشتغال در صنایع دستی دارد. به عبارت دیگر، ارائه تسهیلات بانکی در حوزه صنایع دستی، مکمل نیروی کار بوده و تقاضای نیروی کار را افزایش داده است. همچنین آزمون والد^۱ ارتباط یک به یک را تأیید می‌کند؛ به این معنا که به ازاء یک درصد افزایش در تأمین مالی بیرونی پروژه‌های صنایع دستی، اشتغال در این حوزه نیز یک درصد افزایش می‌یابد. این نتیجه مؤید اهمیت و نقش نظام بانکی به عنوان واسطه مالی (ارزیابی طرح‌ها، تخصیص بهینه منابع و نظارت بر عملکرد کارآفرینان) در ایجاد و توسعه اشتغال است. البته کاربر و سرمایه‌اندوز بودن، از بارزترین ویژگی‌های اشتغال در صنایع دستی است. لذا می‌توان این ویژگی را تقویت‌کننده اثر تأمین مالی بیرونی صنایع دستی بر اشتغال‌زایی دانست.

اثر ساختار تأمین مالی: ضریب نسبت تأمین مالی درونی به بیرونی معنی‌دار نیست. با توجه به بررسی مطالعات، این امر نیز دور از انتظار نیست. در محاسبات کارآفرینان و مدیران، سرمایه‌های درونی به قیمت بازار محاسبه نمی‌شوند که به کاهش بهره‌وری این منابع می‌انجامد. هم‌چنان که در بخش آمار توصیفی بیان شد، استان خراسان رضوی با بیشترین منابع مالی درونی، اشتغال بیشتری در مقایسه با سایر استان‌ها که منابع داخلی کمتری داشتند، نداشت. از تضاد بین اثرات تأمین مالی

^۱. Wald Test

درونی و بیرونی، می‌توان نتیجه گرفت که این حوزه خودکفا عمل نمی‌کند و نیازمند تأمین مالی بیرونی است تا بتواند اثرگذار بر اشتغال باشد.

اثر سرمایه فیزیکی: این متغیر با کمی اغماض، در سطح ۱۰ درصد معنی‌دار شده است. ارتباط این متغیر با اشتغال، منفی و معکوس است، بدین معنا که سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در استان‌ها موجب افزایش اشتغال در حوزه فرهنگ نشده است. این مسئله به دو صورت قابل تحلیل است. اولاً، صنایع دستی کاربر بوده و نیاز به سرمایه‌گذاری اندکی دارد، در نتیجه سرمایه‌گذاری‌های دولت با حوزه‌های سرمایه‌بر همراه شده است و باعث شده که اثر آن بر اشتغال حوزه فرهنگ منفی برآورد شود. ثانیاً، این تأثیرگذاری منفی را می‌توان به علت تورش سرمایه‌بری دانست که در توسعه صنایع کاراندوز صرف شده است. چنانچه در بخش مبانی نظری بیان شد، عرضه نیروی کار در کشورهای در حال توسعه بالاست. افزایش سهم درآمدی سرمایه و تورش به سمت سرمایه‌بری و کاراندوزی با جمعیت بالای این کشورها سازگار نیست و نابرابری را افزایش می‌دهد. لذا، میزان سرمایه‌گذاری در صنایع کاراندوز باید با توجه به شرایط و ویژگی جمعیت انجام شود.

اثر جنسیت: نتایج برآورد نشان می‌دهد که جنسیت در ایجاد اشتغال اثرگذار نیست. طبق آمار توصیفی تعداد کارآفرینان زن حدوداً دو برابر کارآفرینان مرد بوده که مؤید تمایل زنان و فراهم بودن شرایط اجتماعی جهت مشارکت‌های اقتصادی آن‌ها است. اما تسهیلات دریافتی آن‌ها تقریباً برابر با مردان گزارش شده که نشان می‌دهد طرح‌های زنان در مقیاس کوچک‌تری ارائه و اجرا شده‌اند. میزان تسهیلات دریافتی می‌تواند به عوامل فرهنگی مانند ریسک‌پذیری کمتر و عوامل اقتصادی مانند تبعیض دستمزدی مربوط باشد. به علاوه، قوانین و شروط دریافت تسهیلات، در مورد زنان پیچیدگی بیشتری دارد که بیان‌گر عدم اطمینان سیستم بانکی در رابطه با بازدهی اشتغال زنان است.

اثر نرخ تورم: برآورد نشان‌دهنده ارتباط معکوس میان اشتغال در حوزه صنایع دستی و نرخ تورم است. ضمناً بر اساس آزمون والد ارتباط یک به یک معکوس بین این دو متغیر نیز تأیید می‌شود؛ به این معنی که با افزایش یک درصد در نرخ تورم، میزان اشتغال حوزه فرهنگ و هنر یک درصد کاهش خواهد یافت و بالعکس. نرخ تورم با تأثیر بر دستمزد، تمایل بنگاه‌ها در بکارگیری نیروی کار و یا سرمایه فیزیکی را تغییر می‌دهد. به علاوه، نرخ تورم بالا تمایل کارآفرینان به سرمایه‌گذاری را کاهش داده و از بخش‌های تولیدی مولد دور می‌کند که نتیجه آن کاهش اشتغال

است.

اثر رشد اقتصادی: برآورد نشان می‌دهد که رشد اقتصادی تأثیر منفی دار و منفی بر اشتغال حوزه فرهنگ و هنر دارد. مشکل اساسی در اقتصادهای کم‌درآمد، رشد مکمل کار و سرمایه در راستای یکدیگر است. احتمالاً یکی از دلایل منفی شدن ضریب رشد اقتصادی افزایش سهم درآمدی سرمایه است. به عبارت دیگر، رشد اقتصادی ایران دارای اثر برون‌رانی برای بخش هنر و صنایع دستی بوده است؛ به طوری که تسهیلات و منابع افزوده شده حاصل از رشد اقتصادی، نه تنها به بخش‌های هنری و صنایع دستی نیامده، بلکه رشد سایر بخش‌ها موجب تصاحب اعتبارات این بخش شده و متعاقباً اشتغال این بخش را کاهش داده است.

اثر بهره‌وری: ضریب این متغیر بی‌معنی شده است. یکی از علل بی‌معنی شدن بهره‌وری بر اشتغال را می‌توان وجود قانون حداقل دستمزد دانست. الزاماتی که قانون حداقل دستمزد در بازار کار ایجاد می‌کند، اهمیت افزایش بهره‌وری را برای نیروی کار از بین برده و امکان کاهش دستمزد را برای کارفرمایان در حالت بهره‌وری پایین از بین می‌برد. به این ترتیب، بهره‌وری در افزایش اشتغال بی‌اثر خواهد بود.

در ادامه، به تحلیل نتایج استانی تأمین مالی بیرونی و کارآفرینی زنان پرداخته می‌شود. ضرایب متغیرهای یاد شده که به صورت ضرایب تصادفی جداگانه استانی برآورد شده، در جدول ۳ گزارش شده است.

بر این اساس، اعتبارات تخصیص داده شده به حوزه صنایع دستی، در تمامی استان‌های منتخب موجب ایجاد اشتغال شده است. استان آذربایجان شرقی بالاترین ضریب (۱/۰۱) و استان کهگیلویه و بویر احمد کم‌ترین ضریب (۰/۷۷) را در برآورد استانی داشته‌اند. لذا، در مناطق کم‌برخوردار که زیرساخت‌های مناسبی برای توسعه وجود ندارد، سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌تواند در مراحل اولیه توسعه این مناطق، اثربخش، مطمئن و در عین حال کم‌هزینه باشد.^۱

^۱ همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، شواهد جنوب و جنوب شرق آسیا مؤید این ادعا است (یونسکو، ۲۰۰۷؛ سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، ۲۰۱۳).

جدول ۳: نتایج مربوط به بررسی فرضیات پژوهش به تفکیک استان‌ها

| استان | تأمین مالی بیرونی | کارآفرینی زنان | استان | تأمین مالی بیرونی | کارآفرینی زنان |
|--------------------|-----------------------|----------------------|---------------------|-----------------------|-----------------------|
| آذربایجان شرقی | ۱/۰۱۱ ^{***} | ۰/۰۱۵۱ ^{**} | سیستان و بلوچستان | ۰/۹۷۰۸ ^{***} | ۰/۰۰۷۵ |
| آذربایجان غربی | ۰/۹۹۷۱ ^{***} | ۰/۰۰۵۳ | فارس | ۰/۹۹۰۶ ^{***} | ۰/۰۱۰۱ [*] |
| اردبیل | ۱/۰۰۲ ^{***} | ۰/۰۱۲۲ ^{**} | قزوین | ۰/۹۳۸۶ ^{***} | ۰/۰۰۵۶ |
| اصفهان | ۰/۹۶۰۱ ^{***} | ۰/۰۰۴۸ | قم | ۰/۹۸۰۷ ^{***} | ۰/۰۰۹۴ |
| البرز | ۰/۹۵۷۳ ^{***} | ۰/۰۱۱۸ | کردستان | ۰/۹۹۳۹ ^{***} | ۰/۰۱۴۰ ^{***} |
| ایلام | ۰/۸۲۶۷ ^{***} | -۰/۰۰۳۷ | کرمان | ۰/۹۸۷۷ ^{***} | ۰/۰۱۶۰ ^{***} |
| بوشهر | ۰/۸۳۳۹ ^{***} | -۰/۰۱۰۷ | کهگیلویه و بویراحمد | ۰/۷۷۵۸ ^{***} | -۰/۰۰۶۷ |
| تهران | ۰/۹۶۴۶ ^{***} | ۰/۰۰۶۸ | گیلان | ۰/۹۵۶۷ ^{***} | -۰/۰۰۰۸ |
| چهارمحال و بختیاری | ۰/۹۳۰۳ ^{***} | ۰/۰۰۹۹ | لرستان | ۰/۹۹۷۶ ^{***} | ۰/۰۱۳۳ ^{**} |
| خراسان رضوی | ۰/۹۷۵۴ ^{***} | ۰/۰۳۲۱ ^{**} | مازندران | ۰/۹۶۹۶ ^{***} | ۰/۰۱۵۰ [*] |
| خراسان شمالی | ۰/۹۴۷۴ ^{***} | ۰/۰۰۴۴ | مرکزی | ۰/۹۴۷۱ ^{***} | ۰/۰۱۲۲ |
| خوزستان | ۰/۸۷۶۸ ^{***} | ۰/۰۰۱۵ | هرمزگان | ۰/۹۲۴۳ ^{***} | -۰/۰۰۴۵ |
| زنجان | ۰/۹۸۱۴ ^{***} | ۰/۰۲۲۹ | همدان | ۰/۹۸۲۶ ^{***} | ۰/۰۱۴۱۸ |
| سمنان | ۰/۹۱۱۵ ^{***} | -۰/۰۰۱۳ | یزد | ۰/۹۳۴۴ ^{***} | ۰/۰۰۹۶ [*] |

***، ** و * به ترتیب معنی‌داری در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد را نشان می‌دهند.

منبع: یافته‌های پژوهش

نقش کارآفرینی زنان در ایجاد اشتغال در برخی استان‌ها معنی‌دار نبوده است. به هر حال طبق آمار استنباطی، اثرگذاری جنسیت کارآفرینان در استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل و خراسان رضوی در سطح ۵ درصد و در فارس، مازندران، کردستان، کرمان و لرستان در سطح ۱۰ درصد معنی‌دار است. پس زنان در این استان‌ها موفقیت بیشتری در استفاده از اعتبارات بیرونی جهت ایجاد شغل در حوزه صنایع دستی داشته‌اند که این نقطه قوتی برای استان‌های نامبرده -به ویژه استان‌های کم‌برخوردار کرمان و کردستان- از منظر فراهم بودن فرصت‌ها و زمینه‌های مشارکت زنان در اقتصاد محلی و همچنین سیاست‌گذاری‌های استانی در امر اشتغال است.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

پژوهش‌ها نشان‌دهنده سهم قابل توجه صنایع فرهنگی و پررنگ‌تر شدن آن در تحولات ساختار اقتصاد جهانی است. در همین راستا، این پژوهش با هدف قرار دادن حوزه فرهنگ به عنوان یکی از پتانسیل‌های بومی کشور که تقریباً در تمامی نواحی ایران پراکنده است، به مطالعه اشتغال در حوزه صنایع فرهنگی می‌پردازد. این پژوهش، به طور خاص به زیرشاخه صنایع دستی و بررسی اثر

تأمین مالی بیرونی بر اشتغال‌زایی آن معطوف است چرا که به لحاظ تئوری و تجربی، تأمین مالی بیرونی اثرات مبهمی بر اشتغال دارد.

پژوهش‌های داخلی محدودی به اثرگذاری اعتبارات بانکی بر اشتغال متمرکز بوده‌اند؛ در حالی که به لحاظ تئوری، هزینه‌کردها و در دسترس بودن تأمین مالی بیرونی اثرات مبهمی بر اشتغال دارد؛ و به لحاظ تجربی نیز حجم قابل ملاحظه تخریب شغل و تشدید بیکاری در بحران‌های مالی، این موضوع را بیش از پیش پررنگ‌تر می‌کند. به علاوه، در محاسبات کلان اشتغال، با ادغام اشتغال بخش‌های مختلف، اثربخشی سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه‌های مختلف پنهان شده و نقش هر یک از آن‌ها در ایجاد و یا تخریب شغل نمایان نمی‌شود.

بدین منظور، داده‌های ۶۵۷۵ طرح تأمین مالی شده توسط بانک ملی ایران در حوزه فرهنگ و هنر زیرشاخه صنایع دستی در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ برای تجزیه و تحلیل توصیفی و برآورد رگرسیون تابلویی استفاده شد که در ادامه نتایج آن تحلیل می‌شود.

طبق نتایج آمار توصیفی، در کل کشور مبلغ سرانه هر شغل در حوزه صنایع دستی به طور متوسط ۳۵/۵۴ میلیون ریال است. در سطح استانی، خراسان رضوی با مبلغ سرانه ۱۰۳/۱۴ میلیون ریال بیشترین و کرمان با مبلغ سرانه ۱۴/۷۳ میلیون ریال کم‌ترین میزان تسهیلات را برای ایجاد یک شغل به کار گرفته‌اند. همچنین در استان تهران که بیشترین آمار اشتغال‌زایی را داشته، مبلغ سرانه برای ایجاد هر شغل ۳۰/۴ میلیون ریال محاسبه شده است.

نتایج برآوردها نشان می‌دهد که تأمین مالی بیرونی تأثیری معنی‌دار و یک‌به‌یک بر اشتغال حوزه فرهنگ و هنر داشته است. در سطح استانی نیز همین نتیجه پایدار بوده و ارتباط تسهیلات با اشتغال‌زایی تأیید می‌شود. این نتیجه مؤید اهمیت و نقش نظام بانکی به عنوان واسطه مالی (ارزیابی طرح‌ها، تخصیص بهینه منابع و نظارت بر عملکرد کارآفرینان) در ایجاد و توسعه اشتغال صنایع دستی است.

مشاغل بخش فرهنگ و هنر به سرمایه انسانی متکی بوده و عموماً به تکنولوژی پیشرفته‌ای نیاز ندارد. به بیان دیگر، کاربر و سرمایه‌اندوز بودن، از بارزترین ویژگی‌های اشتغال در صنایع دستی است. همچنین، بازار کار فرهنگ احتمالاً منعطف‌تر از سایر حوزه‌ها عمل خواهد کرد و در نتیجه معایب قانون حداقل دستمزد در این حوزه تعدیل می‌شود. این ویژگی‌ها تقویت‌کننده اثر تأمین مالی بیرونی صنایع دستی بر اشتغال‌زایی است و بنابراین توجه به این حوزه در سیاست‌های توسعه مالی می‌تواند فضای مناسب برای توسعه اشتغال پایدار به ویژه برای زنان را فراهم کند.

البته برآوردها نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری‌ها و رشدهای اقتصادی منطقه‌ای موجب افزایش اشتغال در حوزه فرهنگ نشده است. احتمالاً یکی از دلایل این مسئله، تورش سرمایه‌بری است. به علاوه، رشد اقتصادی دارای اثر برون‌رانی برای بخش هنر و صنایع دستی بوده است؛ به طوری که تسهیلات و منابع افزوده شده حاصل از رشد اقتصادی، نه تنها به بخش‌های هنری و صنایع دستی نیامده، بلکه به تصاحب اعتبارات این بخش و متعاقباً کاهش اشتغال انجامیده است. در حالی که با توجه به جمعیت بالای کشور، افزایش سهم درآمدی سرمایه و تورش به سمت سرمایه‌بری و کاراندوزی مطلوب نیست و نابرابری را افزایش می‌دهد.

برآوردها نشان می‌دهد که جنسیت در اشتغال‌زایی معدودی از استان‌ها اثرگذار و در سایر استان‌ها بی‌اثر بوده است. طبق آمار توصیفی تعداد کارآفرینان زن حدوداً دو برابر کارآفرینان مرد بوده که مؤید تمایل زنان و فراهم بودن شرایط اجتماعی جهت مشارکت‌های اقتصادی آن‌ها است. اما تسهیلات دریافتی آن‌ها تقریباً برابر با مردان گزارش شده که نشان می‌دهد طرح‌های زنان در مقیاس کوچک‌تری ارائه و اجرا شده‌اند.

در پایان، پیشنهادهای سیاستی و تحقیقاتی زیر ارائه می‌شود.

توصیه می‌شود که تأمین مالی بیرونی در حوزه صنایع دستی، در مناطق کم‌برخوردار توسعه بیشتری داشته باشد؛ چرا که رشد و توسعه اقتصادی از طریق توسعه صنایع سرمایه‌بر بزرگ مقیاس نیازمند به سرمایه‌گذاری‌های کلانی است، اما سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع دستی که با سرمایه‌های کوچک راه‌اندازی می‌شوند، می‌تواند انتخاب مناسبی برای کاهش فقر و نابرابری این مناطق باشد. از طرف دیگر، توسعه مالی در حوزه صنایع دستی بهتر است با شناخت کامل زنجیره ارزش مربوط به محصولات صورت پذیرد تا بتواند رشد پایدار و متعادلی ایجاد کند. بخش کشاورزی در جایگاه تأمین‌کننده مواد اولیه و بخش گردشگری (که بخشی از تقاضای صنایع دستی را ایجاد می‌کند)، به عنوان اجزای زنجیره ارزش صنایع دستی و از پر درآمدترین صنایع دنیا هستند. لذا، توسعه صنایع دستی باید با توسعه صنعت کشاورزی و گردشگری منطقه هماهنگ باشد.

پراکندگی سرمایه‌گذاری در میان استان‌های کشور زیاد است. بر همین اساس، برای اثربخشی بیشتر اعتبارات اعطایی پتانسیل‌های متفاوت استان‌ها در صنایع فرهنگی و هنری، شناسایی شود و برنامه‌های توسعه مالی و استراتژی‌های رشد و توسعه مناطق با محوریت صنایع فرهنگی صورت گیرد؛ تا با ایجاد قطب‌های فرهنگی و تمرکز بر این حوزه، زمینه بهره‌برداری حداکثری از پتانسیل‌های آن فراهم آید.

شناخت موانع کارآفرینی زنان از اولویت‌ها برای داشتن سیاست‌گذاری‌های اثربخش در امر توسعه و افزایش مشارکت زنان است. از طرف دیگر، توسعه فعالیت نهادهای فرهنگی و اقتصادی در مناطقی که کارآفرینی زنان اثربخش نبوده، لازمه ایجاد تغییرات در دیدگاه‌های مربوط به مشارکت‌های اقتصادی زنان است.

جهت انجام پژوهش‌های آتی، پیشنهاد می‌شود که اثر تأمین مالی بیرونی بر ایجاد اشتغال در بخش فرهنگ، در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصاد کشور مورد مطالعه قرار گیرد؛ تا مشخص شود که به ازای هر یک ریال اعتبارات اعطایی، کدام بخش(ها) پتانسیل اشتغال‌زایی بیشتری دارد. به علاوه، بسیار مهم است که در داخل خود بخش فرهنگ نیز مطالعه شود که کدام زیربخش‌ها می‌توانند با تکیه بر تأمین مالی بیرونی، فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد کنند.

فهرست منابع

۱. ابوترابی، محمدعلی. فنودی، هانیه. و مجتهدی، سبا. (۱۳۹۳). "عقود اسلامی، تعمیق مالی و رشد اقتصادی". فصلنامه سیاست‌گذاری اقتصادی ۶(۱۲): ۸۳-۱۱۴.
۲. احسانی زنوز، اعظم. موسوی، میرحسین. و پدرام، مهدی (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر توسعه مالی بخش بانکی بر اشتغال بخش صنعت (کاربردی از مدل سری‌های زمانی ساختاری)". فصل‌نامه راهبرد ۷۴: ۲۹-۷.
۳. امینی، علیرضا. نهاوندی، مجید. و صفاری‌پور اصفهانی، مسعود (۱۳۷۷). "برآورد مدل سری زمانی اشتغال و موجودی سرمایه در بخش‌های اقتصادی ایران". برنامه‌ریزی و بودجه ۳۱(۳۲): ۶۹-۹۷.
۴. ترحمی، فرهاد (۱۳۸۸). "اهمیت بخش خدمات مالی در اقتصاد ایران". ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی ایران (۹۱ و ۹۲): ۲۵-۵.
۵. حسین‌زاده، هدایت. و نصرتی، رضا (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر طرح توسعه بنگاه‌های کوچک و زود بازده برای ایجاد اشتغال در استان‌های منتخب کشور". فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی ۲(۷): ۱۰۸-۹۱.
۶. حسینی نسب، سید ابراهیم. آقایی، مجید. و رضایی‌پور، محمد (۱۳۸۹). "مزیت‌های نسبی ایران در تولیدات و صادرات فرش دست باف مطالعه موردی اصفهان". پژوهش‌های اقتصادی ۱۰(۱): ۲۵۵-۲۸۳.
۷. رستمی، مصطفی (۱۳۸۳). "بررسی وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی منطقه شاخص: شهرستان ساری". پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی ۴(۱۳): ۳۴-۴۵.
۸. زهراب، مریم (۱۳۹۶). *استراتژی توسعه اقتصادی فرهنگ پایه: بیان مجدد قانون پتی-کلاרק، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام رضا (ع)، مشهد.*
۹. سبحانی، حسن. و عزیزمحمدلو، حمید (۱۳۸۴). "تحلیل بر نقش مخارج سرمایه‌گذاری در ایجاد اشتغال در زیربخش‌های صنعت در ایران (با تأکید بر صنایع بزرگ)". فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی ایران ۲۴: ۳۱-۱.
۱۰. سید صدر، سید ابوالقاسم (۱۳۹۳). *دایره‌المعارف جامع صنایع دستی و حرف مربوط به آن، تهران، سیمای دانش.*
۱۱. صباغ کرمانی، مجید. و دائی، بابک (۱۳۷۶). "مزیت‌های نسبی آشکار در صنایع نه‌گانه ایران مقایسه بین‌المللی". اقتصاد و مدیریت ۳۵(۴): ۳۷-۶۸.
۱۲. طیبی، کمیل. ساطعی، مهسا. و صمیمی، پریسا (۱۳۸۹). "تأثیر تسهیلات بانکی بر اشتغال‌زایی

- بخش‌های اقتصادی ایران". فصلنامه پژوهش‌های پولی و بانکی ۴(۲): ۳۳-۱.
۱۳. فعالیت، وحید. و خاقانی، ندا (۱۳۹۰). "بررسی تأثیر وام‌های خرد بر اشتغال مطالعه موردی ایران". ماهنامه کار و جامعه ۱۴۱: ۵۵-۲۲.
۱۴. کاظمی، بهار (۱۳۹۰). "بررسی رابطه نرخ سود بانکی و اشتغال". ماهنامه کار و جامعه ۵۵(۱۲): ۱۹-۳۰.
۱۵. کاوند، حسین. عوضعلی‌پور، محمدصادق. زندی، فاطمه. و دامن‌کشیده، مرجان (۱۳۹۰). "نقش جنسیت در مشارکت اقتصادی و اعمال مؤثر بر اشتغال زنان در ایران". فصلنامه سیاست‌گذاری اقتصادی ۳(۶): ۲۱۳-۱۸۹.
۱۶. کشاورز، مرجان. و احمدی شیخانی، مهرداد (۱۳۹۶). آشنایی با هنرهای سنتی ایران، تهران، فرهنگ صبا.
۱۷. مهرآرا، محسن. و رستمیان، علی (۱۳۸۵). "ایران، میزان ادغام در اقتصاد جهانی و مزیت نسبی". تحقیقات اقتصادی ۲۲(۱): ۱۶۲-۱۳۱.
۱۸. نجارزاده، رضا. رضاقلی‌زاده، مهدیه. و حسینی، سید مهدی (۱۳۸۶). "ارزیابی اثرات آزادسازی تجاری بر صنعت فرش دستباف ایران با استفاده از ماتریس تحلیل سیاست (مطالعه موردی استان قم)". گلجام ۸(۳): ۷۸-۵۷.
۱۹. هایامی، یوجیرو (۱۳۸۲). اقتصاد توسعه از فقر تا ثروت ملل. غلامرضا آزاد (ارمکی)؛ تهران، نی.
۲۰. هژبرکیانی، کامبیز. و نقیبی، محمد. (۱۳۹۴). "برآورد موجودی سرمایه و بررسی کارآیی روش‌های مختلف محاسبه آن در بخش‌های عمده اقتصادی". فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی رشد و توسعه پایدار ۱۵(۲): ۹۴-۷۳.
۲۱. یآوری، حسین (۱۳۹۵). شناخت صنایع دستی ایران، تهران، مه‌کامه.
22. Acemoglu, D. (2001). "Credit Market Imperfections and Persistent Unemployment". *European Economic Review* 45(4-6): 665-679.
23. Alper, N. & Galligan, A. (1999). "Recession to Renaissance: A Comparison of Rhode Island Artists 1981 and 1997". *Journal of Arts Management, Law and Society* 29(3): 178-203.
24. Armstrong, C. Craig, B. Jackson, W. & Thomson, J. (2010). "The Importance of Financial Market Development on the Relationship between Loan Guarantees for SMEs and Local Market Employment Rates". *Federal Reserve Bank of Cleveland, Working Paper* 10-20.
25. Bagehot, W. (1873). *Lombard Street: A Description of the Money Market*, Scribner, Armstrong & Company.
26. Boustanifar, H. (2014). "Finance and Employment: Evidence from U.S. Banking Reforms". *Journal of Banking & Finance* 46: 343-354.
27. Burges, R. & Rohini, P. (2003). "Do Rural Banks Matter? Evidence

- from the Indian Social Banking Experiment". STICERD Research Paper Series London School of Economics and Political Science No (DEDPS/40).
28. Burkett, P. & Vogel, R. (1992). "Financial Assets, Inflation Hedges, and Capital Utilization in Developing Countries: An Extension of Mckinnon's Complementarity Hypothesis". Journal of Economics **107**(2): 773-784.
 29. Calan, T. & Wren, A. (1994). "Male – Female Wage Differentials: Analysis and Policy Issues, General Research Series". The Economic and Social Research Institute No (163).
 30. Caves, R. E. (2000). *Creative Industries: Contracts between Art and Commerce*, Cambridge: Harvard University Press.
 31. Chapman, J. & Ettliger, M. (2004). "The Who and Why of the Minimum Wage: Raising the Wage Floor is an Essential Part of a Strategy to Support Working Families". Economic Policy Institute EPI Issue Brief 1-7.
 32. Cornwall, A. Harrison, E. & Whitehead, A. (2007). "Gender Myths and Feminist Fables: The Struggle for Interpretive Power in Gender and Development". Development and Change **38**(1): 1-20.
 33. Demetriades, P. Du, J. Girma, S. & Xu, C. (2008). "Does the Chinese Banking System Promote the Growth of Firms?". World Economy & Finance Research Program **8**(6):157-185.
 34. Dornbusch, R. & Reynoso, A. (1989). "Financial Factors in Economic Development". American Economic Review **79**(2): 9-204.
 35. Eikhof, D. R. & Haunschild, A. (2007). "For Art's Sake! Artistic and Economic Logics in Creative Production". Journal of Organizational Behavior **28**(5): 523-538.
 36. Erhardt, E. (2017). "Microfinance beyond Self-Employment: Evidence for Firms in Bulgaria". Labour Economics **47**: 75-95.
 37. Feist, A. Bodo, C. & Fisher, R. (1998). "New Frontiers for Employment in Europe". Circle Publications **9**:180-200
 38. Garmaise, M. J. (2008). "Production in Entrepreneurial Firms: The Effects of Financial Constraints on Labor and Capital". Review of Financial Studies **21**(2): 543-577.
 39. Gart, A. (1988). *Handbook of the Money and Capital Markets*, Michigan: Quorum Books.
 40. Gibson, C. Murphy, P. & Freestone, R. (2002). "Employment and Socio-spatial Relations in Australia's Cultural Economy 1". Australian Geographe **33**(2): 173-189.
 41. Haddad, L. Hoddinott, J. & Alderman, H. (1997). *Intra Household Resource Allocation in Developing Countries*, Baltimore, MD and London: Johns Hopkins University Press (Eds.).
 42. Handa, S. & Davis, B. (2006). "The Experience of Conditional Cash

- Transfers in Latin America and the Caribbean". Development Policy **24**(5): 513-536.
43. Holvoet, N. (2005). "The Impact of Microfinance on Decision-making Agency: Evidence from South India". Development and Change **36**(1): 75-102.
 44. Islam, S. S., & Mozumdar, M. A. (2007). "Financial Market Development and the Importance of Internal Cash: Evidence from International Data". Journal of Banking & Finance **31**: 641-658.
 45. ITC. (2009). *Training Module on Handicrafts*, Switzerland, International Trade Center.
 46. Jena, P. K. (2010). "Indian Handicrafts in Globalization Times: An analysis of Global-Local Dynamics". Interdisciplinary Description of Complex Systems **8**(2): 119-137.
 47. Kapur, B. (1976). "Alternative Stabilization Policies for Less Developed Economies". Journal of Political Economy **84**(4): 41-62.
 48. Kloosterman, R. C. (2004). "Recent Employment Trends In Cultural Industries In Amsterdam, Rotterdam, The Hague and Utrecht a First Exploration". Journal of Economic and Geography **95**(2): 243-252.
 49. Levine, R. (1997). "Financial Development and Economic Growth: Views and Agendas". Journal of Economic Literature **35**(2): 688-726.
 50. Lhermitte, M. Perrin, B. & Melbouci, L. (2014). *Creating Growth: Measuring Cultural and Creative Markets in the EU*, Paris, EY.
 51. Mathieson, D. J. (1980). "Financial Reform and Stabilization in a Developing Economy". Journal of Development Economics **7**(3): 359-395.
 52. McKinnon, R. I. (1973). *Money and Capital in Economic Development*, Washington, D.C.: Brookings Institution.
 53. Meyer, G. (2000). *Leading Issues in Economic Developing*, Oxford, Oxford University Press.
 54. Miriam, B. & Love, I. (2009). "The Economic Impact of Bank and Unbanked (Evidence from Mexico)". The World Bank Development Research Group Finance and Private Sector Team, June.
 55. Moedas, C. A. (2012). "Key Resources and Internationalization Modes of Creative Knowledge-intensive Business Services: The Case of Design Consultancies". Creativity and Innovation Management **21**(3): 315-331.
 56. Okun, A. M. (1981). *Prices and Quantities*, Washington, Brookings Institution.
 57. Pagano, M. & Pica, G. (2011). "Finance and Employment". Center for Studies in Economic and Finance. Working Paper No. 238.
 58. Patrick, H. T. (1966). "Financial Development and Economic Growth in Underdevelopment Countries". Economic Development

- and Cultural Change **14**: 174-189.
59. Pratt, A. C. (1997a). "The Cultural Industries Sector: Its Definition and Character from Secondary Sources on Employment and Trade Britain 1984-91". Environmental and Spatial Analysis No (41).
 60. Pratt, A. C. (1997b). "The Cultural Industries Production System: A Case Study of Employment". Environment and Planning A **29**(11): 1953-1974.
 61. Pratt, A. C. (2005). "Cultural Industries and Public Policy". International Journal of Cultural Policy **11**(1): 31-44.
 62. Rawlings, L. B. & Rubio, G. M. (2005). "Evaluating the Impact of Conditional Cash Transfer Programs". The World Bank Research Observer **20**(1): 29-55.
 63. Robinson, J. (1952). *The Rate of Interest and Other Essays*, London, Macmillan.
 64. Rutten, P. Manshanden, W. Muskens, J. & Koops, O. (2004). *The Creative Industry in Amsterdam and the Region*, Leiden/Delft, TNO.
 65. Salvatore, D. (1998). *International Economics*, United State, Prentice Hall, INC.
 66. Schumpeter, J. A. (1912). *The Theory of Economic Development*, Cambridge, Mass: Harvard University Press.
 67. Scott, A. J. (1999). "The Cultural Economy: Geography and the Creative Field". Media, Culture & Society **21**(6): 807-817.
 68. Shaw, E. S. (1973). *Financial Deepening in Economic Development*, New York, Oxford University Press.
 69. Solow, R. (1979). "Another Possible Source of Wage Stickiness". Journal of Macroeconomics **1**: 79-82.
 70. Stam, E. De Jong, J. P.J. & Marlet, G. (2008). "Creative Industries in the Netherlands: Structure, Development, Innovativeness and Effects on Urban Growth". Geografiska Annaler **90**(2): 119-132.
 71. Stigler, G. J. (1962). "Information in the Labor Market". Journal of Political Economy **70**: 94-105.
 72. Taylor, L. (1983). *Structural Macroeconomics: Applicable Models for the Third World*, New York, Basic Books.
 73. Thomas, D. (1990). "Intra-household Resource Allocation: An Inferential Approach". The Journal of Human Resources **25**(4): 635-664.
 74. Throsby, D. (2008). "The Concentric Circles Model of the Cultural Industries". Cultural Trends **17**(3): 147-164.
 75. Townley, B. Beech, N. & McKinlay, A. (2009). "Managing in the Creative Industries: Managing the Motley Crew". Human Relations **62**(7): 939-962.
 76. Towse, R. (2010). *A Textbook of Cultural Economics*, New York, Cambridge University Press.

77. UNESCO. (1997). "International Symposium on Crafts and the International Market Trade and Costums Codification (Manila, Philippines 6-8 October 1997)". Paris, UNESCO.
78. UNESCO. (2007). *Handicrafts and Employment Generation for the Poorest Youth and Women*. Paris, United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
79. UNESCO/World Commission on Culture and Development. (1995). *Our Creative Diversity*, Report of the World Commission on Culture and Development. UNESCO.
80. UNIDO. (2013). *Greening Value Chains for Sustainable Handicrafts in Viet Nam*, Vienna, United Nations Industrial Development Organization.
81. USAID. (2006). *Haitian Handicrafts Value Chain Analysis*, America, USAID.
82. Van Wijnbergen, S. (1983). "Interest Rate in Management in LDCs". *Journal of Monetary Economics* 12(3): 433-452.

جدول ۱ پیوست: صنایع دستی

| صنایع دستی | زیر گروه‌ها |
|-------------------------|--|
| باقته‌های داری | قالی بافی، گلیم بافی، جاجیم بافی، گبه بافی، خورجین بافی، سراندازی بافی و ... |
| نساجی سنتی | ابریشم بافی، اهرامی بافی، ارمک بافی، قلاب بافی، ارمک بافی، انواع پارچه‌های سنتی، پتو بافی، پرده بافی، مخمل بافی و ... |
| پوشاک سنتی | کلاه، جوراب، عروسک، انواع البسه، مجسمه مومی، انواع پاپوش و ... |
| روکاری و رودوزی | تسمه دوزی، توربافی، چشمه دوزی، ده یک دوزی، خوس دوزی، زرک دوزی، زغره دوزی، دوریش دوزی، ممقان دوزی و |
| چاپ‌های سنتی | قلمکار، کلافه‌ای یا باتیک (چاپ مهری یا نقاشی) |
| سفالگری و سرامیک‌سازی | نقاشی روی سفال، کاشی زرین فام، کاشی معرق، کاشی هفت رنگی، کاشی مینایی، کاشی معقلی، سفال و سرامیک، خرمهره‌سازی |
| شیشه‌گری (آبگینه) | شیشه‌گری فوتی، معرق شیشه یا شیشه خانه‌بندی، شیشه حرارت مستقیم، هم‌جوشی شیشه، تراش شیشه، نقاشی روی و پشت شیشه، آینه کاری |
| صنایع دستی چرمی | جلدسازی، سراجی سنتی، محرق چرم، معرق چرم، نقاشی روی چرم، نقش‌اندازی ضربی روی چرم |
| صنایع دستی فلزی | افزارسازی، چونده کاری، چاقوسازی، چلنگری، حکاکی روی فلز، دواتگری، زیورآلات، ضریح‌سازی، قلم‌زنی، کوفته‌گری (طلا کوبی روی فولاد) ملیله‌سازی، مسگری، گرگوربافی، مشبک فلز، مینای خانه‌بندی، مینای نقاشی (مرصع، پنجره‌ای یا مشبک)، ورشوسازی، زموذگری، احجام فلزی سنتی |
| صنایع دستی سنگی | تراش سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی، حجاری سنتی (سنگ‌تراشی)، حکاکی روی سنگ، خراطی سنگ، فیروزه‌کوبی، احجام سنگی سنتی، مرصع کاری، مشبک سنگ، معرق سنگ، موزائیک سنگ |
| صنایع دستی چوبی | بامبو بافی، چیق بافی، احجام چوبی سنتی (پیکر تراشی)، حصیر بافی (بوریا بافی)، خاتم، خراطی، سازه‌های سنتی، سوخت روی چوب، کبوی بافی، کنده کاری روی چوب، گره چینی (ارسی‌سازی)، محرق چوب، مروارید بافی (ارغوان بافی، ترکه بافی، جم بافی)، مشبک چوب، معرق چوب، معرق منبت، منبت، نازک کاری، نقاشی روی چوب، قواره‌بری |
| صنایع دستی دریایی | صنایع دستی دریایی، نقاشی روی صدف |
| صنایع دستی معماری | گچ‌بری، مقرنس کاری، آهک‌بری (یا ساروج‌بری) |
| ساخت اشیاء مستظرفه هنری | پایه ماشه (احجام کاغذی)، تذهیب، تشعیر، جلدسازی، صحافی سنتی، طراحی سنتی (طراحی فرش)، قطاعی (کاغذبری)، کاغذ سازی دستی، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، نقاشی گل و مرغ، نقاشی لاک، نگارگری (نقاشی ایرانی میناتور)، نقاشی سنتی دیواری، نقاشی روی استخوان |
| سایر موارد | نمد مالی، رنگ‌رزی گیاهی، گلابتون سازی، ابریشم کشی، نخ‌ریسی سنتی، رفوگری |

منبع: طبقه‌بندی صنایع دستی بر اساس روش و تکنیک تولید برگرفته از سید صدر (۱۳۹۳)، باوری (۱۳۹۵) و کشاورز و احمدی شیخانی (۱۳۹۶).